

پنج‌شنبه ۲۱ اسفند ۱۴۰۴ - سال یازدهم - شماره ۲۴۴۵

راهبردی ۳ بنادر

معاون شورای عالی مناطق آزاداعلام کرد **آمادگی کامل مناطق آزاد در ارائه خدمات سلامت و کالاهای اساسی**



معاون دبیرخانه شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی از اجرای مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در مناطق آزاد کشور در دوره بحران و شرایط جنگی خبر داد و گفت: حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، گردشگری و سلامت مناطق آزاد با تشکیل ستادهای بحران و برنامه‌ریزی‌های منسجم، خدمات‌رسانی به مردم و مسافران را بدون وقفه ادامه داده‌اند.

به گزارش اقتصادسر آمد، مهدی مزینانی با اشاره به اقدامات انجام‌شده در مناطق آزاد اروند، ارس، انزلی، چابهار، قشم، کیش و ماکو اظهار کرد: در این مدت مدیران و مسئولان حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی مناطق آزاد با حضور فعال در جلسات ستادهای بحران شهری و منطقه‌ای، ضمن ارائه گزارش‌های مستمر، راهکارهای لازم برای مدیریت شرایط اضطراری را ارائه کردند.

مزینانی افزود: یکی از محورهای مهم اقدامات انجام‌شده، تقویت زیرساخت‌های سلامت و درمان در مناطق آزاد بوده است؛ به‌طوری‌که بازدید از مراکز درمانی، اعلام آمادگی بیمارستان‌ها برای ارائه خدمات درمانی، تدوین فهرست کامل مراکز درمانی، داروخانه‌ها و مطب‌ها و هماهنگی برای فعالیت شبانه‌روزی آن‌ها در دستور کار قرار گرفت.

وی ادامه داد: در همین راستا، آمادہ‌سازی خوابگاه‌ها، سالن‌های ورزشی، هتل‌ها و مدارس برای اسکان اضطراری مردم و تیم‌های امدادی، برگزاری کارگاه‌های تخصصی برای آتش‌نشنان و امدادگران و نیز برنامه‌ریزی برای انتقال کارکنان به مکان‌های امن جهت استمرار خدمات از دیگر اقدامات انجام‌شده در روزهای جنگ تحمیلی بوده است.

به گفته معاون فرهنگ، اجتماعی و گردشگری دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، تولید و انتشار بسته‌های آموزشی برای آگاهی عمومی در مواجهه با بحران و همچنین تقویت هماهنگی با نهادهای امدادی و درمانی در مناطق آزاد از دیگر برنامه‌هایی بود که به‌طور گسترده اجرا شد.

۲۰۰ هزار تن کالای اساسی به‌زودی از گمرک بندرانزلی واردبازار می‌شود



استاندار گیلان با بیان اینکه در محوطه گمرک بندرانزلی و دیگر بنادر استان کالاهای وارداتی و صادراتی وجود دارد، گفت: ۲۰۰ هزار تن کالای اساسی شامل روغن و نهاده‌های دامی از طریق بندرانزلی با کمترین تشریفات اداری ترخیص شده و وارد بازار خواهد شد.

به گزارش اقتصادسرآمد،‌های‌حق‌شناس در جریان بازدید سرزده از گمرک بندرانزلی با بیان اینکه روند ترخیص کالا در بنادر استان گیلان به خوبی در حال انجام است، اظهار کرد: در گمرک بندرانزلی ۱۲ مجموع ۲۴ کشتی شامل ۱۲ مورد در اسکله و ۱۲ کشتی در لنگرگاه است که وظیفه ترخیص و بارگیری کالاهای اساسی را برعهده دارد.

وی با اشاره به آخرین وضعیت ترخیص و تامین کالاهای اساسی در بنادر گیلان اضافه کرد: کالاهای اساسی شامل، غلات، ذرت، روغن و سویا در بنادر استان به‌ویژه بندرانزلی بلافاصله ترخیص‌شده و مشکل خاصی در تامین کالاهای اساسی گیلان وجود ندارد.

عالی‌ترین مقام اجرایی گیلان از رشد تخلیه و بارگیری کالا در بنادر استان خبر داد و افزود: با صادرات ۵۰۰ هزار تنی کالا در بندرانزلی در ۱۰ ماه نخست سال جاری رکورد صادرات کالا در بنادر استان شکسته شد که این امر نشان‌دهنده اهمیت بنادر گیلان در تامین کالاهای اساسی و ارزآوری برای کشور است.

حق‌شناس با بیان اینکه در محوطه گمرک بندرانزلی و دیگر بنادر استان گیلان کالاهای وارداتی و صادراتی وجود دارد گفت: ۲۰۰ هزار تن کالای اساسی شامل روغن و نهاده‌های دامی از طریق بندرانزلی وارد استان و با کمترین تشریفات اداری ترخیص شده و وارد بازار خواهد شد.



تصمیماتی که در این ستاد گرفته می‌شوند، باید از یک سو، با اولویت‌های دفاعی و امنیتی کشور هماهنگ باشند و از سوی دیگر، با اهداف بلندمدت توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، سازگاری داشته باشند. این رویکرد، از یک سو، از تضادهای ساختاری بین امنیت و توسعه جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، امکان انتقال سریع منابع و ظرفیت‌ها از حالت عادی به حالت جنگی و بالعکس را فراهم می‌کند.

باید توجه داشت، تقویت ظرفیت‌های داخلی به‌ویژه در حوزه‌ی تولید، فناوری و آموزش، امری غیرقابل انکار است. وابستگی به واردات، به‌ویژه در حوزه‌ی تجهیزات حیاتی و فناوری‌های امنیتی، در شرایط جنگ، می‌تواند به یک ضعف استراتژیک تبدیل شود. بنابراین، سیاست‌گذاری برای توسعه‌ی صنایع دفاعی، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، و تولید داروهای حیاتی، نه تنها در دوره‌ی جنگ، بلکه در دوره‌ی آمادگی پیش از جنگ، باید در اولویت قرار گیرد. این رویکرد، نیازمند سرمایه‌گذاری هوشمند در تحقیق و توسعه، ایجاد اکوسیستم‌های نوآوری و تقویت بخش خصوصی به‌عنوان شریک استراتژیک است. در این مسیر، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی، نه تنها به عنوان تولیدکنندگان دانش، بلکه به عنوان مراکز تولید فناوری، آزمایشگاه‌های عملیاتی و مراکز آموزش تخصصی در شرایط جنگ، نقشی محوری ایفا می‌کنند. از این رو، ایجاد مکانیزم‌هایی برای انتقال سریع دانش به صنعت، تقویت ارتباطات بین دانشگاه و صنعت، و ایجاد شبکه‌های تحقیقاتی تخصصی در حوزه‌های امنیتی و دفاعی، از اقدامات حیاتی است.

در این مسیر، ارزیابی عملکرد نه تنها بر اساس معیارهای معمول مانند کارایی، کیفیت و زمان بلکه بر اساس معیارهای استراتژیک مانند توانایی تطبیق پذیری، سرعت واکنش به تغییرات، و میزان مشارکت در تقویت امنیت ملی انجام می‌شود. این رویکرد، از یک سو، از اتلاف تلاش در امور غیرضروری جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، امکان تشخیص سریع نقاط قوت و ضعف سازمان را فراهم می‌کند؛ در این شرایط، شفافیت در ارتباطات داخلی و خارجی، امری حیاتی است؛ از این رو، آموزش مدیران باشد که اطلاعات دقیق، به‌روز و قابل اعتماد به تمام سطوح سازمان برسد، تا بتوانند تصمیماتی هوشمندانه و مسئولانه بگیرند. ارتباطات خارجی نیز باید به‌گونه‌ای باشد که اعتماد عمومی را حفظ کند، اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف را انجام دهد و در عین حال، از افشای اطلاعات حساس جلوگیری کند؛ در این مسیر، ایجاد سیستم‌های اطلاع‌رسانی هوشمند که بتوانند بر اساس نوع مخاطب، نوع پیام و شرایط محیطی، پیام را به‌صورت انتخابی و تطبیق‌پذیر منتشر کنند امری ضروری است.

در نتیجه، آرایش جنگی مدیریتی، فرصتی برای بازتعریف رابطه‌ی مردم و دولت است. اگر دولت در این شرایط بتواند نه تنها امنیت را تأمین کند، بلکه اعتماد، انسجام و همیاری اجتماعی را نیز تقویت کند، می‌تواند به یک نظام حاکمیتی جدید دست یابد که بر اساس مشارکت، مسئولیت‌پذیری و همیاری ساخته شده باشد. این نظام، نه تنها در برابر جنگ، بلکه در برابر هر گونه تهدید آینده، پایدار خواهد بود؛ بنابراین، آرایش، نه تنها یک واکنش به جنگ، بلکه یک فرصت برای بازتعریف نظام اداری، اقتصادی و اجتماعی کشور است. اگر با هوشمندی، آگاهی و مسئولیت‌پذیری مدیریت شود، می‌تواند پایه‌ای برای ساخت نظامی مقاوم، عادلانه و پایدار باشد که نه تنها در برابر جنگ‌ها، بلکه در برابر هر گونه بحران آینده، پایدار بماند و به توسعه‌ی پایدار و عدالت اجتماعی در کشور کمک کند.

آن به یک سیستم مقاوم، تطبیق‌پذیر و هوشمند است. اگر این فاز با هوشمندی و آگاهی کامل مدیریت شود، می‌تواند پایه‌ای برای ساخت نظام اداری جدیدی باشد که نه تنها در برابر جنگ‌ها، بلکه در برابر بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی نیز مقاوم باشد؛ این سیستم، بر اساس اصول شفافیت، مسئولیت‌پذیری، همکاری بین‌بخشی و استفاده از داده‌های دقیق و به‌روز، تصمیم‌گیری می‌کند و در عین حال، به تقویت اعتماد عمومی و حفظ انسجام اجتماعی می‌پردازد.

از سوی دیگر، این آرایش، نه تنها امنیت ملی را در برابر تهدیدات ترکیبی تثبیت می‌کند، بلکه چشم‌اندازی برای ساخت نظام اداری جدیدی است که در آن، مدیریت نه تنها به عنوان ابزار اجرایی، بلکه به عنوان یکی از ارکان اصلی مقاومت ملی درک می‌شود. در این نظام، سازمان‌ها از ساختارهای سلسله‌مراتبی سنتی خارج شده و به شبکه‌های تطبیق‌پذیر و هوشمند تبدیل می‌شوند؛ تصمیم‌گیری از مرکز به اطراف پخش شده و به سمت توانمندی‌سازی سطح میدانی حرکت می‌کند. این حرکت، نه تنها سرعت عمل را افزایش می‌دهد، بلکه امکان واکنش سریع به تغییرات ناگهانی و تهدیدات پنهان را فراهم می‌کند. در این مسیر، فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی، تحلیل پیش‌بینانه داده‌ها، سیستم‌های اطلاعاتی توزیع‌شده و اتوماسیون هوشمند نه تنها به عنوان ابزارهای کمکی، بلکه به عنوان عناصر اصلی در ساختار مدیریتی جنگی در نظر گرفته می‌شوند؛ هوش مصنوعی، به‌عنوان مثال، در تحلیل الگوهای حمله سایبری، پیش‌بینی نقاط ضعف زیرساخت‌های حیاتی، و ارائه‌ی گزینه‌های عملیاتی به مدیران عملیاتی، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. اما این فناوری‌ها تنها زمانی مؤثر هستند که در قالب یک فرهنگ مدیریتی هوشمند و مسئولانه به‌کار گرفته شوند؛ در غیر این صورت، ممکن است به ابزاری برای تقویت ترس، تشدید اشتباهات و افزایش وابستگی به سیستم‌های غیرانسانی تبدیل شود؛ بنابراین، ترکیب هوش مصنوعی با هوش انسانی به‌ویژه هوش عاطفی، هوش اخلاقی و هوش سیستمی در این شرایط، امری حیاتی است؛ از این رو، آموزش مدیران به‌گونه‌ای باید طراحی شود که نه تنها به آن‌ها توانایی استفاده از ابزارهای فناوریانه را بدهد، بلکه به آن‌ها توانایی ارزیابی اخلاقی، اجتماعی و سیاسی نتایج آن‌ها را نیز اعطا کند. همچنین، ارزیابی ریسک نه تنها بر اساس احتمال واقع‌گرایانه‌ی وقوع تهدیدات، بلکه بر اساس توانایی سازمان در برابر آن‌ها تعریف می‌شود؛ یعنی ریسک، نه تنها آنچه ممکن است بیفتد، بلکه آنچه سازمان نمی‌تواند تحمل کند، در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد، از یک سو، از اتلاف منابع در برابر تهدیدات کم‌اهمیت جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر، اطمینان حاصل می‌کند که منابع کمیاب در برابر تهدیدات بزرگ، به‌صورت هوشمندانه و استراتژیک توزیع شوند.

در این شرایط، امنیت ملی، نه تنها به معنای دفاع از مرزهای جغرافیایی، بلکه به معنای حفظ پایداری ساختارهای اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این پایداری، تنها از طریق هماهنگی کامل بین سیستم‌های امنیتی، اداری، اقتصادی و اجتماعی قابل تضمین است. بنابراین، ستاد مدیریت دستگاه‌های اجرایی در شرایط جنگ، باید به گونه‌ای طراحی شود که مرجع مدیریتی عمل کند، بلکه باید به عنوان یک مرجع هماهنگ‌کننده‌ی سیستمی، نقش خود را در تقویت انسجام بین‌بخشی و تقویت اعتماد متقابل بین نهادهایفا کند. این هماهنگی، نه تنها در سطح اجرایی، بلکه در سطح تصمیم‌گیری استراتژیک انجام می‌شود؛ یعنی،

در این راستا، برنامه‌های جانشین‌پروری نه تنها بر اساس سوابق و تجربیات، بلکه بر اساس توانایی‌های تطبیق‌پذیری، مدیریت استرس، تفکر سیستمی و توانایی تصمیم‌گیری در شرایط نااطمینانی طراحی می‌شوند؛

محور چهارم، پشتیبان‌گیری از داده‌ها است که در آن، امنیت داده‌ها، پشتیبان‌گیری پیوسته، بازیابی در شرایط بحرانی و حفظ اصالت و یکپارچگی اسناد دولتی، اولویت‌های اصلی را تشکیل می‌دهد. در این محور، داده‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین دارایی‌های ملی درک می‌شوند، زیرا بدون داده‌های دقیق، تصمیم‌گیری‌ها ناپایدار و اجرایی نخواهند بود. این محور، نیازمند ساختارهای ذخیره‌سازی توزیع‌شده، رمزگذاری پیشرفته و سیستم‌های تشخیص تغییرات غیرمجاز در داده‌ها است تا بتواند از دسترسی غیرمجاز، تغییر داده‌ها و تحریف اطلاعات عمومی جلوگیری کند.

محور پنجم، تأمین زیرساخت‌های حیاتی است که در آن، امنیت فیزیکی و سایبری شبکه‌های آب، برق، ارتباطات، حمل‌ونقل و تأمین مواد غذایی، بسه عنوان محور اصلی توجه قرار می‌گیرد. در این محور، تأمین پایداری این زیرساخت‌ها نه تنها به معنای جلوگیری از قطعی، بلکه به معنای توانایی در برابر تحرکات مکرر و تحریف آهسته است. بنابراین، این محور، نیازمند همکاری بین‌بخشی، استفاده از فناوری‌های هوشمند و سیستم‌های پیش‌بینی و پیش‌گیری است تا بتواند در شرایطی که منابع محدود شده و تهدیدات افزایش می‌یابد، بهترین استفاده را از منابع موجود ببرد؛

محور ششم، به‌کارگیری ظرفیت‌های فناوریانه و دانشگاهی است که در آن، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیق و توسعه، از محدوده‌ی آموزشی خارج شده و به یکی از ارکان اصلی تولید راهکارهای عملیاتی و استراتژیک تبدیل می‌شوند. در این محور، دانشگاه‌ها به عنوان مراکز تولید دانش کاربردی، تحلیلگر تهدیدات، طراح سیستم‌های مقاوم و پشتیبان تصمیم‌گیری عملیاتی درک می‌شوند. این محور، نیازمند ایجاد مکانیزم‌هایی است که بتواند تحقیقات دانشگاهی را به سرعت به راهکارهای عملیاتی تبدیل کند و در عین حال، از تداخل تحقیقات آکادمیک با نیازهای فوری نظام اداری جلوگیری کند؛ در این مسیر، ایجاد همکاری‌های استراتژیک بین دستگاه‌های اجرایی، دانشگاهی و بخش خصوصی، یکی از اصلی‌ترین راهکارها برای تقویت ظرفیت‌های داخلی و کاهش وابستگی به منابع خارجی است. اجرای این دستورالعمل‌ها با هدف بازسازی توان فرماندهی، تأمین لجستیک پایدار و مقابله مؤثر با جنگ روانی و امنیتی دشمن، راهکاری ضروری برای تضمین ادامه خدمات حیاتی و عبور موفق از این مقطع حساس تاریخی است. این امر، نیازمند تغییر فرهنگ سازمانی است، به‌گونه‌ای که مدیران و کارکنان، نه تنها به عنوان اجرایی‌ها، بلکه به عنوان بخشی از ساختار مقاومت ملی درک شوند. در این فرهنگ، سرعت تصمیم‌گیری، شفافیت در ارتباطات، پاسخ‌گویی به سرعت در برابر تغییرات و توانایی در برابر نااطمینانی، ویژگی‌های اصلی مدیران و کارکنان محسوب می‌شوند. از این رو، آموزش و توسعه‌ی مهارت‌های مدیریتی در شرایط جنگ، از جمله مدیریت استرس، تصمیم‌گیری در شرایط نااطمینانی، ارتباطات اثربخش در بحران و مدیریت تیم‌های متنوع، باید در اولویت‌های آموزشی قرار گیرد.

همچنین، ایجاد سیستم‌های ارزیابی عملکرد مبتنی بر معیارهای استراتژیک و نه تنها عملیاتی، به منظور تشویق به اقدامات خلاقانه و مسئولانه در شرایط بحرانی، از دیگر اقدامات ضروری است. در این مسیر، توجه به ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی کارکنان، از جمله حمایت از خانواده‌های شهیدان و جنگی‌ها، ارائه‌ی مشاوره‌های روان‌شناختی و تقویت حس تعلق به نظام، نیز نمی‌تواند کنار گذاشته شود. این امر، نه تنها از کاهش بهرهوری و افزایش استرس جلوگیری می‌کند، بلکه به تقویت اعتماد عمومی و حفظ انسجام اجتماعی کمک می‌کند.

بنابراین، آرایش جنگی مدیریتی، نه تنها یک واکنش به جنگ، بلکه یک فرصت برای بازتعریف نظام اداری و تبدیل

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

آرایش جنگی مدیریتی کشور

گروه راهبردی-مرتضی فاخری- در پی وقوع جنگ تحمیلی و شهادت فرماندهان عالی‌رتبه کشور، نظام اداری ایران وارد فزای حیاتی و تاریخی شده است که نه تنها از نظر نظامی و دفاعی، بلکه از دیدگاه مدیریتی و سازمانی نیز نیازمند بازتعریف کامل روابط، فرآیندها و مکانیسم‌های تصمیم‌گیری است؛ این فاز که به‌عنوان «آرایش جنگی مدیریتی» شناخته می‌شود، فراتر از یک واکنش اضطراری، یک استراتژی جامع و پویا برای حفظ پایداری ساختارهای حاکمیتی، ادامه‌دار بودن خدمات عمومی و تثبیت امنیت ملی در برابر تهدیدات ترکیبی شامل تهاجم نظامی، جنگ روانی، تحریم‌های اقتصادی، تحریکات اجتماعی و حملات سایبری محسوب می‌گردد. در این شرایط، مدیریت نه تنها به عنوان ابزار اجرایی، بلکه به عنوان یکی از محورهای اصلی مقاومت ملی تبدیل شده است؛ زیرا شکست در حفظ کارایی سازمان‌ها، توقف تأمین کالاهای و خدمات حیاتی، و از بین رفتن اعتماد عمومی، می‌تواند به سرعت به یک بحران چندبعدی تبدیل شود که اثرات آن فراتر از حوزه‌ی اداری و به سطح تهدید وجودی نظام سیاسی و اجتماعی کشور می‌رسد؛ بنابراین، تشکیل «ستاد مدیریت دستگاه‌های اجرایی در شرایط جنگ»، که اکنون به عنوان یک مرجع عملیاتی و استراتژیک فعالیت می‌کند، نه تنها نشان‌دهنده‌ی آگاهی سیستمی از خطرات پیش‌رو، بلکه اشاره‌گر به توانمندی نظام اداری در تبدیل شدن به یک سازمان تطبیق‌پذیر و مقاوم است. این ستاد، با توجه به پیچیدگی‌های جنگ مدرن، نمی‌تواند صرفاً بر اساس قوانین و دستورالعمل‌های عادی کار کند؛ بلکه باید از یک مجموعه اصول مدیریتی جدید که در اصل ترکیبی از اصول مدیریت بحران، مدیریت تغییر سریع، مدیریت ریسک استراتژیک و مدیریت هوشمند داده‌هاست، بهره ببرد. در این مسیر، شیوه‌نامه‌ای جامع در شش محور کلیدی تدوین و ابلاغ می‌شود که هر یک از آن‌ها، علاوه بر پاسخ به نیازهای فوری، چشم‌اندازی برای بازسازی و تقویت ساختارهای پایدار پس از جنگ نیز دارد.

محور اول، مدیریت حضور و دورکاری است که در آن، نه تنها مسائل فنی مربوط به امنیت ارتباطات و کارایی سیستم‌های دیجیتال مورد توجه قرار می‌گیرد، بلکه ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی حضور اعضای سازمان در محیط‌های متفاوت از جمله تأثیرات استرس شدید، تنهایی نسبی، و تغییر در سطح تعاملات اجتماعی نیز به‌دقت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این شیوه‌نامه، دورکاری به عنوان یک راهکار عملیاتی، نه یک انتخاب تفریحی یا راحت‌گرایانه، در نظر گرفته می‌شود؛ بلکه به عنوان یک ضرورت استراتژیک برای جلوگیری از تمرکز جمعی در مکان‌های هدف‌گیری‌شده و تأمین پیوستگی فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرا در شرایطی که تحرکات نظامی و اطلاعاتی به شدت فعال است، طراحی شده است.

محور دوم، پدافند غیرعامل و امنیت سایبری است که در آن، امنیت سیستم‌های اطلاعاتی، حفظ اصالت اسناد و اسناد رسمی، جلوگیری از تحریف اطلاعات عمومی و تأمین امنیت ارتباطات داخلی و خارجی، اولویت‌های اصلی را تشکیل می‌دهد. در این محور، امنیت سایبری به عنوان یکی از ارکان اصلی امنیت ملی درک می‌شود؛ زیرا در جنگ مدرن، کنترل اطلاعات، کنترل تصویر و کنترل تاریخچه‌ی تصمیم‌گیری، از هر گونه تهاجم فیزیکی مهم‌تر و پیچیده‌تر است. این محور، نیازمند همکاری نزدیک بین نهادهای امنیتی، دانشگاهی و فناوریانه است تا بتواند سیستم‌هایی را طراحی و اجرا کند که نه تنها در برابر حملات سایبری فعلی مقاوم باشند، بلکه قابلیت پیش‌بینی و واکنش سریع به تهدیدات آینده را نیز داشته باشند.

محور سوم، جانشین‌پروری است که در آن، نه تنها به جانشینی فوری در صورت شهادت یا غیبت فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه پرداخته می‌شود، بلکه بر روی ساختارهای جانشینی پایدار و پیش‌بینی‌پذیر تمرکز می‌گردد. این محور، از یک سو، نشان‌دهنده‌ی آگاهی سازمانی از ضعف‌های ساختاری و از سوی دیگر، اشاره به توانمندی نظام مدیریتی در تولید سرمایه‌ی انسانی با کیفیت بالا و آماده برای مواجهه با شرایط غیر عادی دارد.



نماینده مستقر سازمان بنادر و دریانوردی و معاون نماینده دائم جمهوری اسلامی در سازمان بین‌المللی دریانوردی با اشاره به پایبندی کامل ایران به قواعد و حقوق حاکم بر دریاها تصریح کرد: شرایط حساس، پیچیده و نگران‌کننده کنونی، به طور مستقیم نتیجه تجاوز و اقدامات غیرقانونی طرف‌های متجاوز بر خلاف حقوق بین‌الملل است و مسوولیت کامل وضعیت

نماینده ایران در آیمو:

مسئولیت اختلال در آبراه‌های بین‌المللی بر عهده طرف‌های متجاوز است

کنونی و اختلال در عبور و مرور ایمن در آبراه‌ها و تنگه‌های بین‌المللی به‌طور کامل بر عهده همان طرف‌های متجاوز قرار دارد. به گزارش اقتصادسرآمد، پوریا کولیوند این مطلب را در نشست دوازدهم زیرکمیته سسامةنها و تجهیزات کشتی مطرح کرد و گفت: مایه تأسف است که برخی اعضای این نهاد، با به‌کارگیری استانداردی دوگانه و آشکار، تجاوز فاحش آمریکا و اسرائیل علیه ایران را نادیده می‌گیرند و در عین حال با رویکردی ریاکارانه، ایران را به دلیل استفاده از حق ذاتی خود برای دفاع مشروع بر اساس منشور ملل متحد محکوم می‌کنند.

وی بیان داشت: هفته گذشته، ایالات متحده در هماهنگی و همراهی با رژیم اسرائیل، برای دومین بار طی ماه‌های اخیر، تجاوزی تحریرکننده و از پیش طراحی‌شده علیه جمهوری اسلامی ایران را آغاز کرد و به‌طور عمدی مناطق پرجمعیت غیرنظامی در چندین شهر بزرگ ایران را که میلیون‌ها نفر در آن زندگی می‌کنند، هدف قرار داد. در نتیجه این حمله مسلحانه و وحشیانه، هزاران غیرنظامی کشته و زخمی شدند. آنها به‌طور بی‌رحمانه یک مدرسه ابتدایی در شهر میناب را هدف قرار دادند و ۱۶۹ دانش آموز دختر بی‌گناه در سنین ۶ تا ۱۰ سال را به قتل رساندند.

وی تأکید کرد: تجاوز و جنایت هولناک ایالات متحده و رژیم اسرائیل و همچنین هدف قرار دادن عامدانه و مستمر زیرساخت‌های غیرنظامی همچنان ادامه دارد و

تاکنون بیش از یک هزار و ۳۰۰ نفر از مردم بی‌گناه جان خود را از دست داده‌اند. این درحالی است که به گفته نماینده ایران، شمار قربانیان غیرنظامی همچنان رو به افزایش است. بیش از یکصد هزار نفر در پی شدت حملات به مناطق مسکونی و تخریب خانه‌هایشان آواره شده‌اند. همچنین بیش از ۹ هزار ساختمان مسکونی، ۶۵ مدرسه، ۳۲ بیمارستان، ۱۳ مرکز هلال احمر و ۳ مجموعه ورزشی به‌طور کامل ویران شده‌اند.

وی اضافه کرد: در پی این تجاوز جنایتکارانه، ده‌ها دیرانورد غیرنظامی نیز بدون آنکه درگیر عملیات نظامی باشند به شهادت رسیدند؛ از جمله چندین کارآموز که در فاصله دو هزار مایلی از آب‌های ساحلی ایران حضور داشتند. کولیوند خاطر نشان کرد: این حملات نه تنها یک اقدام آشکار تجاوزکارانه و نقض فاحش منشور ملل متحد است، بلکه به دلیل هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان و اماکن غیرنظامی و تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی حفاظت‌شده، مصداق جنایت جنگی نیز محسوب می‌شود. افزون بر این، با توجه به گسترندگی، تکرار و ماهیت نظام‌مند حملات علیه مناطق مسکونی و تأسیسات حیاتی غیرنظامی، این اقدامات همچنین مصداق جنایت علیه بشریت به شمار می‌آید. در برابر چنین نقض‌های فاحشی که پیش چشم ما رخ می‌دهد، این پرسش اجتناب‌ناپذیر است: آیا در این سازمان نباید محکومیتی روشن و قاطع نسبت به این جنایات و اقدامی قاطع برای توقف آن‌ها صورت گیرد؟